



از بین النهرین تا ماوراءالنهر

پژوهشی در سفرنامه ابن بطوطه

(رجال، مزارات، مراکز علمی و مذهبی)



قنبر علی رودگر

FROM MESOPOTAMIA TO TRANSOXIANA

A Study in Ibn Baṭṭūṭa's Riḥla

**(Notables, Places of Pilgrimage, Scientific
& Religious Centers)**

QANBAR-ʿALĪ RŪDGAR



Encyclopaedia Islamica Foundation



از بين النهرين تا ماوراء النهر

۱۳۰۰ ف

۳۱/۱

از بین‌النهرین تا ماوراءالنهر

ابن بطوطه، سیاح نامدار مغربی در قرن هشتم هجری، بخش پهناوری از ربع مسکون را به مدت سی سال درنوردید. اما این کتاب که پژوهشی در سفرنامه اوست، تنها بخشی از خط سیر او را از بین‌النهرین در عراق کنونی تا ماوراءالنهر در آسیای میانه دربر می‌گیرد و شامل پنج فصل است. فصل اول به معرّنی خط سیر ابن بطوطه و سفرنامه او، و فصل دوم به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی شهرهای این محدوده در آن زمان اختصاص یافته است. در فصل سوم سرگذشت آن تعداد از نهادهای علمی و مراکز مذهبی مانند مساجد و خانقاهها و مزارات که ابن بطوطه از آنها دیدن کرده است و در فصل چهارم شرح حال رجال علمی و مذهبی مذکور در سفرنامه ابن بطوطه آمده و در فصل پنجم نیز به ارزیابی و نتیجه‌گیری نهایی پرداخته شده است.

تصویر روی جلد: خط سیر ابن بطوطه در منطقه
بین‌النهرین تا ماوراءالنهر



از بین النهرین تا ماوراءالنهر

پژوهشی در سفرنامه ابن بطوطه

(رجال، مزارات، مراکز علمی و مذهبی)

قنبر علی رودگر

بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

تابستان ۱۳۷۶

رودگر، قنبرعلی، ۱۳۴۴-

از بسین النهرین تا ماوراءالنهر: پژوهشی در سفرنامه ابن بطوطه
(رجال، مزارات، مراکز علمی و مذهبی) / قنبرعلی رودگر- تهران بنیاد
دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۶.
ی، ۳۹۰ ص: نقشه

ISBN 964-447-032-2

پشت جلد به انگلیسی:

Qanbar 'Ali Rudgar. From Mesopotamia to Transoxiana...

کتابنامه: ص [۳۳۱] - ۳۴۳

نمایه

۱. کشورهای اسلامی - سیر و سیاحت - قرن ۸. ۲. ایران - سیر و
سیاحت - قرن ۸. ۳. ایران - اوضاع اجتماعی - قرن ۸. ۴. سازمانهای فرهنگی -
ایران. الف. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، ۷۰۳-۷۷۹ ق. رحله. ب. عنوان

۹۱۰/۴

DS ۳۵/۵۷



از بسین النهرین تا ماوراءالنهر

پژوهشی در سفرنامه ابن بطوطه

(رجال، مزارات، مراکز علمی و مذهبی)

تألیف و تحقیق و نمایه‌سازی: قنبرعلی رودگر

ویراستار: طاهره اسماعیل‌زاده

چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶

تعداد: دوهزار نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

لیتوگرافی: گل سرخ، چاپ و صحافی: بهمن

همه حقوق محفوظ است

بنیاد دایرةالمعارف اسلامی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان

فلسطین جنوبی، شماره ۱۳۰، تلفن: ۶۵۳۷۷۸، نمابر: ۶۵۹۲۰۱،

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵/۳۸۸۵

فهرست

مقدمه	۱-۱۵
فصل اول - ابن بطوطه و سفرنامه	۱۷-۳۵
سرگذشت ابن بطوطه و سفرهای او	۱۹
سفرنامه ابن بطوطه	۳۰
فصل دوم - بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و عراق	
در سده هشتم هجری	۳۷-۸۰
ضرورت طرح بحث	۳۹
ایلخانان مغول در ایران و عراق (۶۵۴-۷۵۶ ق)	۴۰
سلطان محمود غازان خان (۶۹۴-۷۰۳)	۴۱
سلطان محمد خدابنده اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ ق)	۴۴
سلطان ابوسعید بهادرخان (۷۱۶-۷۳۶ ق)	۴۷
آشفتگی و فروپاشی قلمرو ایلخانان	۵۰
سلسله‌ها و امیران حاکم در دوره انحطاط ایلخانان	۵۳
ایلکانیان یا آل جلایر (۷۳۷-۸۳۶ ق)	۵۳
چوپانیان (۷۳۸-۷۵۸ ق)	۵۵
حکومت‌های جزایر خلیج فارس: هرمز و کیش	۵۵
ملوک شبانکاره (۴۴۸-۷۵۶ ق)	۵۷
خاندان اینجو در فارس (۷۰۳-۷۵۸ ق)	۵۷
آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ ق)	۶۰

۶۲	اتابکان لر بزرگ (۵۴۳-۸۲۷ق).
۶۴	ملوک کرت (۶۴۳-۷۹۱ق).
۶۵	سریداران در خراسان (۷۳۷-۷۸۳ق).
۷۰	خانهای جغتای در ماوراءالنهر (۶۲۴-۷۶۰ق).
۷۰	پناهگاههای فرهنگ اسلامی و ایرانی همزمان با فتنه مغولان و حکومت ایلخانان.
۷۳	وضع اجتماعی ایران در عهد ایلخانان.
۷۵	پیامدهای تهاجم مغول.
۷۷	تکرار تباهیها و ویرانیها.
۷۷	اصلاحات محمود غازان خان.
۷۸	وضع برخی شهرها در سده هشتم هجری.
۷۹	سیاح دوستی و مسافرنوازی در سده هشتم هجری.
۲۵۱-۸۱	فصل سوم - مراکز علمی و مذهبی.
۸۳	ابن بطوطه در بین النهرین.
۸۷	مرقد امیرالمؤمنین علی(ع).
۹۲	پیشینه مدارس علمی شیعی.
۹۶	حوزه علمی نجف اشرف.
۱۰۰	جامع اعظم کوفه.
۱۰۱	مزار مسلم بن عقیل.
۱۰۲	آرامگاه سکینه و عاتکه دختران امام حسین(ع).
۱۰۳	آرامگاه مختار بن ابی عبید ثقفی.
۱۰۴	مسجد یا مشهد صاحب الزمان در حله.
۱۰۶	مرقد امام حسین(ع).
۱۱۵	مدرسه واسط.
۱۱۶	خانقاه ابوالعباس رفاعی.
۱۱۸	مسجد علی بن ابی طالب(ع).
۱۲۰	مقبره طلحه بن عبیدالله.
۱۲۱	مقبره زبیر بن عوام.
۱۲۲	مقبره های گروهی از صحابه و تابعین در بصره.
۱۲۳	عبادتگاه سهل بن عبدالله تستری.

- ۱۲۵ رابطه (تکیه) خضر و الیاس در آبادان.
- ۱۲۵ خانقاه آبادان.
- ۱۲۵ بغداد.
- ۱۲۶ جامع منصور.
- ۱۲۷ بیمارستان عضدی.
- ۱۲۹ آرامگاه معروف کرخی.
- ۱۳۱ آرامگاه عون بن علی.
- ۱۳۲ مرقد امام موسی کاظم (ع).
- ۱۳۸ مرقد امام جواد (ع).
- ۱۳۹ مدرسه نظامیه بغداد.
- ۱۴۶ مدرسه مستنصریه.
- ۱۴۸ جامع خلیفه.
- ۱۴۹ جامع سلطان.
- ۱۵۱ جامع زُصافه.
- ۱۵۱ آرامگاه ابوحنیفه.
- ۱۵۳ آرامگاه ابو عبدالله احمد بن حنبل.
- ۱۵۴ آرامگاه ابوبکر شبلی.
- ۱۵۵ آرامگاه سری سقطی.
- ۱۵۶ آرامگاه بشر حافی.
- ۱۵۶ آرامگاه داود طائی.
- ۱۵۷ آرامگاه جنید بغدادی.
- ۱۵۸ مشهد صاحب الزمان در سامرا.
- موصل
- ۱۵۹ مسجد جامع حومه موصل.
- ۱۶۰ بیمارستان حومه موصل.
- ۱۶۱ مسجد جامع کهنه موصل.
- ۱۶۲ مسجد جامع جدید موصل.
- ۱۶۲ مشهد جرجیس پیامبر (ع) در موصل.
- ۱۶۲ تلّ توبه (تلّ یونس) در موصل.

- مسجد کهن جزیرهٔ ابن عمر ۱۶۳
- بیمارستان نصیبین ۱۶۴
- مدرسه‌های نصیبین ۱۶۴
- مسجد جامع سنجار ۱۶۴
- شنب‌غازان در تبریز ۱۶۵
- مسجد جامع علیشاه ۱۶۸
- شوشتر
- خانقاه‌های مسیر رامهرمز تا شوشتر ۱۶۹
- مزار منسوب به زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین (ع) در شوشتر ۱۷۰
- مدرسهٔ امام شرف‌الدین موسی ۱۷۲
- مسجد جامع شوشتر ۱۷۳
- زویای قلمرو اتابک لرستان ۱۷۵
- خانقاه دینوری ۱۷۶
- مدرسه هلافیجان ۱۷۶
- مدرسه (زاویه) سلاطین ۱۷۸
- مدرسه (زاویه) کریوارخ ۱۷۸
- مسجد اُشترکان (اشترجان) ۱۷۹
- مسجد نیلان ۱۷۹
- خانقاه علی‌بن‌سهل اصفهانی در اصفهان ۱۸۰
- از اصفهان تا شیراز ۱۸۲
- خانقاه خواجه کافی در شهر اقلید ۱۸۳
- خانقاه خواجه کافی در سرما (سرمق) ۱۸۳
- مسجد جامع یزد خواست ۱۸۴
- خانقاه یزد خواست ۱۸۴
- شیراز
- جامع عتیق شیراز ۱۸۵
- مدرسهٔ مجدیهٔ شیراز ۱۸۷
- مزار احمدبن موسی (شاه‌چراغ) ۱۸۹
- آرامگاه شیخ ابو عبدالله خفیف ۱۹۲

- ۱۹۶ آرامگاه روزبهان بقلی
 ۱۹۸ آرامگاه شیخ زرکوب شیرازی
 ۱۹۹ آرامگاه سعدی شیرازی
 ۲۰۳ آرامگاه شمس‌الدین سمنانی
 ۲۰۴ خانقاه شیخ ابواسحاق کازرونی
 ۲۰۷ جزیره هرمز
 ۲۰۷ مصلای منسوب به خضر و الیاس
 ۲۰۸ آرامگاه لوک سجستانی بر سر راه بندر هرمز به لار
 ۲۰۹ خانقاه شیخ ابودلف محمد در لار
 ۲۱۱ خانقاه شیخ ابودلف محمد در خنج‌بال [۹]
 ۲۱۱ آرامگاه شیخ دانیال (قطب)
 ۲۱۱ خانقاهی دیگر در خنج‌بال
 ۲۱۲ ابن بطوطه در مشرق ایران
 ۲۱۳ آرامگاه بایزید بسطامی
 ۲۱۶ آرامگاه امامزاده محمدین [عبدالله بن] جعفر
 ۲۱۸ آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی
 ۲۱۹ مدارس نیشابور
 ۲۲۰ آرامگاه غزالی
 ۲۲۳ مرقد امام رضا(ع)
 ۲۲۷ مسجد [آدینه] بلخ
 ۲۲۹ آرامگاه و زاویه عکاشه بن محسن اسدی
 بلخ تا غزنین
 ۲۳۱ زاویه ابراهیم ادهم
 ۲۳۲ زوایای مسیر بلخ تا هرات
 ۲۳۳ خانقاه شیر سیاه در قندوز
 ۲۳۴ خانقاه محمد مهروی
 ۲۳۴ مزار شیخ سعید مکی در کوهستان پنجهر
 ۲۳۴ خانقاه شیخ اتاولیا در کوهستان بشای
 ۲۳۵ از دره پنجهر تا کابل

۲۳۶	خانقاههای مسیر کوهستان بشای تا غزنین
۲۳۶	زاویه آرامگاه محمود سبکتکین
۲۳۷	خانقاه شیخ اسماعیل افغانی
۲۳۷	ماوراءالنهر
۲۳۸	نظری به خوارزم
۲۳۹	مدرسه خوارزم
۲۴۰	مسجد جامع خوارزم
۲۴۰	بیمارستان خوارزم
۲۴۱	خانقاه شیخ نجم‌الدین کبری
۲۴۲	خانقاه شیخ جلال‌الدین سمرقندی
۲۴۲	آرامگاه ابوالقاسم زمخشری
۲۴۳	خانقاه ثرابک خاتون
۲۴۴	وضع اجتماعی و فرهنگی بخارا
۲۴۵	خانقاه سیف‌الدین باخرزی
۲۴۸	آرامگاه ابو عبدالله بخاری
۲۵۰	آرامگاه قثم بن عباس بن عبدالمطلب
۲۵۱	خانقاه شیخ عزیزان در ترمید
۳۱۹-۲۵۳	فصل چهارم - رجال دین و دانش
۲۵۵	تقیان نجف
۲۵۶	نظام‌الدین حسین بن تاج‌الدین آوی
۲۵۹	جلال‌الدین بن فقیه
۲۶۰	قوام‌الدین بن طاووس
۲۶۱	ناصرالدین مطهرین شریف (اوهری)
۲۶۱	شمس‌الدین محمد اوهری
۲۶۲	ابوغزّنه سالم بن مهنا حسینی مدنی
۲۶۷	شیخ عبدالمحسن واسطی
۲۶۸	شیخ احمد کوچک
۲۶۸	ابوحفص سراج‌الدین عمرین علی قزوینی
۲۶۹	عبدالله بن عبدالرحمن دارمی

۲۶۹	شیخ عبدالله کُردی
۲۷۰	جمال‌الدین سنجاری
۲۷۰	برهان‌الدین موصلی
۲۷۲	حسام‌الدین محمود
۲۷۲	بهاء‌الدین اسماعیل بن زکریاء مولتانی
۲۷۲	شرف‌الدین موسی بن سلیمان
۲۷۳	شمس‌الدین سندی
۲۷۶	شیخ نورالدین کرمانی
۲۷۶	فقیه محمود
۲۷۶	مولانا فضیل
۲۷۷	شیخ قطب‌الدین حسین اصفهانی
۲۸۳	قاضی مجدالدین شیرازی
۲۸۷	رضی‌الدین حسن صاغانی [چغانی]
۲۸۷	جمال‌الدین حسن بن یوسف حلّی
۲۹۰	عضدالدین ایجی
۲۹۰	شریف مجیدالدین
۲۹۰	ابوالحسن اقصارانی
۲۹۱	قاضی عمادالدین شونکاری [شبانکاره‌ای]
۲۹۱	شیخ ابودلف محمد
۲۹۲	قطب‌الدین نیشابوری
۲۹۲	طاهر محمدشاه
۲۹۳	لقمان سرخسی
۲۹۴	قطب‌الدین حیدر
۲۹۸	شیخ احمد جام
۳۰۱	شیخ شهاب‌الدین احمد معروف به زاده
۳۰۲	شیخ حسن جوری
۳۰۵	مولانا نظام‌الدین عبدالرحیم خوافی
۳۰۶	شیخ ملک ورنان
۳۰۷	ابواحمد جستی [چشتی]

۳۰۸	سیف‌الدین بن عصبه مدرّس
۳۱۰	قاضی ابو حفص عمر بکری
۳۱۰	نورالاسلام
۳۱۰	نورالدین کرمانی
۳۱۰	مولانا همام‌الدین
۳۱۰	مولانا زین‌الدین مقدسی
۳۱۱	مولانا رضی‌الدین یحیی
۳۱۱	مولانا فضل‌الله رضوی
۳۱۱	مولانا جلال‌الدین عمادی
۳۱۱	مولانا شمس‌الدین سنجری
۳۱۱	حسام‌الدین مشاطی
۳۱۲	قاضی صدرالشریعه
۳۱۲	محمد خیوتی [خیوه‌ای]
۳۱۲	ابوالمفاخر یحیی باخرزی
۳۱۴	مولانا صدرالشریعه
۳۱۴	مولانا حسام‌الدین یاغی
۳۱۶	غیاث‌الدین محمد بن عبدالقادر
۳۱۶	قاضی صدر جهان
۳۱۸	خداوندزاده قوام‌الدین
۳۱۸	قاضی ضیاء‌الدین
۳۱۹	شیخ حاجی خرد
۳۲۸-۳۲۱	فصل پنجم - تحلیل و ارزیابی
۳۴۳-۳۲۹	مآخذ و منابع
۳۵۶-۳۴۵	نقشه‌ها
۳۹۰-۳۵۷	نمایه

فهرست رجال معرفی شده در فصل پنجم کتاب

فهرست اشخاص

فهرست قبایل، طوایف، سلسله‌ها و خاندانهای حکومتگر

فهرست اماکن و جایها

پیشگفتار

شاید به جرأت بتوان گفت که در میان منابع و آثار به جای مانده از روزگاران گذشته سفرنامه‌ها از ارزش و اهمیت بیشتر و برتری در مطالعات تاریخی، خاصه تاریخ اجتماعی و فرهنگی اقوام و ملل مسلمان، برخوردارند. در تواریخ عمومی، محلی، دودمانی و جز آن - به‌رغم شمار و تنوع بسیار آنها - به ندرت می‌توان به چیزی جز شرح درگیریهای سیاسی، نبردهای امیران و شاهان و خلیفگان، عزل و نصبها و نظایر اینها برخورد، و شاید جز شماری ناچیز از تألیفات جغرافیایی - نظیر احسن‌التقسیم مقدسی - بیشتر در سفرنامه‌ها است که گزارشهایی گویا و تصاویری روشن از زندگانی اجتماعی مردم مسلمان ارائه شده است. آنچه از گزارشهای ابن فضلان در سفرنامه کوتاهش درباره آداب و رسوم و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی مردم، بویژه مردم عادی، در اوائل سده چهارم هجری - مقارن با خلافت المقتدر بالله عباسی (۲۹۵-۳۲۰ ق) - درمی‌یابیم بی‌تردید نمی‌توان در هیچ‌یک از منابع تاریخی مربوط به آن عصر بدانها دست یافت. نیز چنین است بسیاری از آنچه در سفرنامه ناصر خسرو می‌خوانیم در باب وضع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی سرزمینها و شهرهایی که او از آنها دیدار کرده و اقوام و کسانی که با آنان چندی زیسته.

در میان سفرنامه‌های برجای مانده از مسلمانان، رحله ابن بطوطه جایگاهی ممتاز دارد. سفر شگفت‌انگیز او - با عنایت به امکانات ناچیز آن روزگاران - از طنجه واقع در منتهی‌الیه شمال‌غربی مغرب اقصی (مراکش امروز) تا چین و مالزی (جنوب شرقی آسیا) - که سی سال به درازا کشیده و طی آن نزدیک به یک صد هزار کیلومتر را درنوردیده و آنچه

را دیده و شنیده به خاطر سپرده و سرانجام به دست و قلم ابن جزّی به قید کتابت کشیده، اثری بزرگ پدید آورده که حاوی باارزش ترین اطلاعات تاریخی، خاصه تاریخ فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در سده هفتم هجری است. آنچه به ارزش و اهمیت این سفرنامه می افزاید، صحت، دقت و اعتبار اطلاعاتی است که در آن آمده است. منابع تاریخی هم عصر ابن بطوطه که برخی از نویسندگان آنها - مثلاً ابن حجر عسقلانی، ابن خطیب اندلسی و ابن مرزوق - با وی دیدار داشته اند او را موثق شمرده اند و بسیاری از گزارشهای تاریخی او را نیز تأیید کرده اند.

سخن از اهمیت و ارزش سفرنامه ابن بطوطه در مطالعات اسلامی، خاصه ایرانشناسی، در این مجال نمی گنجد، اما این قدر باید گفت که گزارشهای ابن بطوطه از مشاهدات و مسموعاتش در ایران سده هفتم از چنان اهمیتی و نیز حلاوت و جاذبیتی برخوردار است که هیچ ایرانی علاقمند به تاریخ و تمدن ایران از مطالعه آن بی نیاز نیست. با این همه تاکنون جز ترجمه این سفرنامه و مقدمه ممتع مترجم آن و چند تألیف و ترجمه، تحقیقی جدی و گسترده درباره این سفرنامه و گزارشهای باارزش آن به زبان فارسی انجام نیافته و ضروری می نماید که تحقیقات گوناگون درباره ابعاد مختلف این گزارشها و تحلیل و تبیین آنها انجام پذیرد، زیرا چنانکه اشاره رفت، در کمتر اثری مانند ابن بطوطه با این مایه دقت به زندگی مردم نگریسته شده و با این روشنی رفتار و آداب و عادات آنان به تصویر درآمده است.

آنچه اکنون پیش روی خواننده نهاده شده، کوششی است در بررسی و توضیح و تبیین دیده ها و شنیده های این جهانگرد مسلمان در گشت و گذارش از ایران - که در این اثر از بین النهرین در غرب آغاز می شود و به ماوراءالنهر منتهی می گردد - خاصه در زمینه گزارشهایی که به نحوی به مراکز علمی، فرهنگی، آموزشی و نیز رجال و بزرگان دین و دانش مربوط می شود. در واقع این کتاب تاریخ نهادهای آموزشی، علمی، دینی و فرهنگی موجود و دایر در محدوده میان بین النهرین تا ماوراءالنهر است. امید است که این اثر بتواند پرتوی هرچند ناچیز بر گوشه های تاریک تاریخ فرهنگ ایران بیفکند.

بنیاد دایرة المعارف اسلامی

مقدمه

برای شناخت ابعاد گوناگون تاریخ و تمدن ملت‌های مسلمان باید منابع متعدد و متنوعی را مطالعه کرد. بی‌شک یکی از این منابع سفرنامه‌هایی است که از جهانگردان مسلمان یا نامسلمان برجای مانده است. تعالیم آیین اسلام از یک سو و ضرورت‌های ناگزیر جامعه اسلامی از دیگر سو همواره پیروان این دین را به تدارک مسافرت‌ها و تحمّل سختی‌های آن فرا می‌خوانده است.

کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن، از همان آغاز آنان را به سیر آفاق و انفس دعوت کرده^۱ و از ایشان خواسته است تا رهاورد این سفرها را دستمایه تفکر و تدبّر خود قرار دهند و از این راه دریچه‌ای به سوی

۱. «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳) زودا که قدرت خود را در آفاق و در وجود خودشان نشانشان می‌دهیم تا برایشان آشکار شود که او حق است؛ «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَّلَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت: ۲۰) بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده سپس آفرینش بازپسین را پدید می‌آورد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

هدایت و سعادت خویش بگشایند. قرآن کریم برای تحقیق در تاریخ روشی خاص ارائه می‌کند که بر مبنای آن تعقل و تفکر در کنج کتابخانه‌ها و زوایا و مدارس، که گاه به تخیلهای بی‌پایه می‌انجامد، برای محقق کافی نیست بلکه پژوهشگر حقیقت‌جو باید «پای‌افزار سیر و سفر» بیوشد و در مقام ریشه‌یابی علل انحطاط اقوام گذشته به بررسی عینی، تجربی و شهودی بپردازد. آیات زیر نیز همین حقیقت را بازمی‌گویند:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹)؛ بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که پایان کار مجرمان چگونه بوده است؛ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فاطر: ۴۴)؛ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا صاحب دل‌هایی گردند که بدان تعقل کنند و گوشه‌هایی که بدان بشنوند؟؛ «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فاطر: ۴۴)؛ آیا در زمین سیر نمی‌کردند تا ببینند که فرجام کار مردمی که پیش از آنها بوده‌اند و نیرویی بیشتر داشته‌اند به کجا کشید؟.

بنابراین به مشاهدات نویسنده بیش از منقولات او می‌توان اعتماد کرد. گذشته از تعالیم قرآن، عوامل فراوان دیگری نیز مسلمانان را به سفر برمی‌انگیخت. گسترش دامنه فتوحات اعراب و آمیزش آنان با نومسلمانان سرزمینهای دیگر، ضرورت آشنایی با شهرها، دیه‌ها، راهها، دژه‌ها، کوهها و به طور کلی اوضاع جوامع مختلف مسلمانان را به گرداندگان حکومت اسلامی گوشزد می‌کرد، و همچنین موجب می‌شد تا مردم ممالک مفتوحه بر اثر وحدت دینی با فاتحان، به عنوان شهروندان مسلمان، به انجام اعمال و تکالیفی ملزم گردند؛ از جمله: سفر به مکه، زیارت خانه خدا و شرکت در جهاد با کافرانی که هنوز به

«دارالاسلام» نپیوسته بودند. به جای آوردن هریک از این تکالیف مهم مسافرت مسلمانان را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. افزون بر اینها، فراگیری تعالیم دینی و گردآوری احادیث نبوی و شوق تبلیغات مذهبی نیز بسیاری از مسلمانان را به سفر وامی داشت. چنانکه جاذبه‌های تجارت با بازرگانان ممالک دور و نزدیک و راهیابی به بازارهای پر رونق سرزمینهای دیگر نیز خستگیها و سختیهای سفر را بر تاجران مسلمان آسان می‌کرد. گاه نیز خلفا و پادشاهان اسلامی، به حکم ضرورت، سفیران و نمایندگان را به دربار پادشاهان دیگر ممالک روانه می‌کردند. و سرانجام، دغدغه گشت و گذار و سیاحت در سرزمینهایی که شاهان برای خوشنامی خویش خدمات و تسهیلات بهتری فراهم کرده بودند، جهانگردان را به آن مناطق می‌کشانید.

اگر انگیزه‌های یاد شده را از عوامل عمده گسترش مسافرت و جهانگردی در جهان اسلام بدانیم، باید بگوییم که ابن بطوطه، با آنکه بخش پهناوری از ربع مسکون را گشته بود، مسافرت به سرزمینهای نادیده را حریصانه آرزو می‌برد. وی ابتدا به قصد زیارت خانه خدا و مرقد مطهر پیامبر اکرم (ص) و وطن مألوف را ترک گفت.^۱ در برخی شهرها مانند دمشق، مکه و شیراز محضر محدثان و فقیهان را درک کرد و از آنان حدیث شنید و از برخی فقیهان اجازه روایت گرفت.^۲ در دربار شاهان سرزمینهای گوناگون، از او به گرمی استقبال می‌شد و او نیز چون مهمانی محتشم با آنان روبرو می‌گشت. به برکت گشاده‌بازیهای حاکمان و پادشاهان، ثروت انبوهی اندوخت و تصدی منصب قضا در هند^۳، و او را

۱. ابن بطوطه، ص ۳۱. ۲. همو، ص ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۰-۱۷۳، ۲۲۷، ۲۵۹. ۳. همو، ص ۲۵.

صدرنشین مجلس عزت ساخت. با این همه، فریضه دینی «امر به معروف و نهی از منکر» را هیچگاه از یاد نبرد. اتابک لرستان را بی پروا از میخوارگی برحذر داشت^۱ و در حضور سلطان برگی (برجی) در آسیای صغیر با مشاهده طیب یهودی که به دلیل تقرب بسیار نزد سلطان، بالاتر از قاریان مسلمان نشسته بود، غیرت دینی اش به جوش آمد و وی را دشنام گفت.^۲ فرماندهی مجاهدان مسلمان را در فتح سنداپور، در جنوب باختری هند، برعهده گرفت.^۳ از جانب پادشاه دهلی به سفارت نزد امپراتور چین روانه شد.^۴

وجود هر یک از این انگیزه‌ها به تنهایی کافی بود تا مسلمانی را مدتی به سفر وادارد، اما هنگامی که این عوامل و انگیزه‌ها دست به دست هم داده شخصی را به سفر بخوانند، البته مسافرت وی و رهاورد سفرش چیزی است کاملاً متفاوت از دیگران.

ازینرو حله ابن بطوطه از چند جهت بر دیگر نوشته‌های مشابه برتری

دارد:

نخست، از لحاظ گستره مکانی سفر و شمول سفرنامه بر ماجراهای مسافرتی که از طنجه مراکش آغاز شده و به مصر و شام و فلسطین و جزیره العرب و ایران و عمان و آسیای صغیر و دشت قبچاق و ماوراءالنهر و افغانستان و سند و هند و چین و اندلس و نیجریه گسترش یافته است؛ به علاوه، اقامت طولانی‌تر او در برخی از این سرزمینها و یا سفر مکرر به برخی از ولایات و شهرها را باید از دیگر عوامل اهمیت‌افزای سفرنامه او

۱. همو، ص ۲۱۲-۲۱۳. ۲. ابن بطوطه، ص ۳۱۶. ۳. همو، ص ۵۷۶-۵۷۷.

۴. همو، ص ۵۴۱.

به شمار آورد.

دوم، از جهت گسترهٔ زمانی سفر؛ ما نه پیش از ابن بطوطه و نه پس از او جهانگرد مسلمانی را سراغ نداریم که قریب سی سال از عمرش را پیوسته و بی وقفه در سفر گذرانده باشد؛ جوان و ناآزموده، میهن خویش را ترک گفته و پیر و سالخورده با انبانی از غنیمت تجارب به آغوش آن بازگشته باشد.

سوم، از حیث صمیمیت و صداقت او در گزارش اوضاع و احوال مناطقی که دیده و برکنار ماندن از عبارت پردازیه‌ها و لفاظیهای «فاضلانه» و استعمال کلمات و عبارات مطمئن و منشیانه.

چهارم، از لحاظ تنوع محتوای سفرنامه؛ ابن بطوطه قایق سفر را تنها در بستر یک رودخانه نرانده و فقط از شاهان و حکمرانان سخن نگفته، بلکه به گفتهٔ ویل دورانت^۱ به دو ساحل رودخانه نیز سرکشیده است و دربارهٔ مردمی که برکنار از جریان خشمگین رود، آرام و مطمئن به زندگی روزمرهٔ خویش سرگرمند و کار می‌کنند و خانه می‌سازند و عشق می‌ورزند، داد سخن داده است. اگر دربارهٔ آداب و رسوم دربار شاهان خاطراتش را بازگفته، از زندگی اجتماعی «عوام الناس» نیز، که تاریخ‌نویسان را بدانان اعتنایی نیست و در صحنهٔ زندگی هم نقشی جز سیاهی لشکر نداشته‌اند، غفلت نورزیده است. احتوای سفرنامهٔ ابن بطوطه بر وجوه گوناگون تمدن اسلامی از قبیل تاریخ سیاسی و جغرافیای تاریخی ممالک اسلامی، تشکیلات و نظام دیوانی، اوضاع مالی و اقتصادی، سازمان قضا و دادرسی، سازمان سپاهیان و جنگجویان، مشخصات ساختمانی و

۱. — عنوان پشت جلد همه مجلدات.

شیوه‌های هنری معماری، اختصاصات اماکن زیارتی و سیاحتی، سنتها و آداب و رسوم محلی، پوشاک و خوراک، عالمان، زهاد، صوفیان، قضات و خطیبان، و نظامهای آموزشی و نهادهای علمی - آموزشی مسلمانان چندان چشمگیر و گاه بی‌مانند است که هیچ محقق تمدن اسلام جایگزینی برای آن نخواهد یافت.

به یاد داشته باشیم که این اطلاعات ارزنده متعلق به یکی از مقاطع مهم در تاریخ ایران یعنی سده هشتم هجری و دربردارنده بسیاری از وقایع مربوط به دو دوره متفاوت است: دوران یکپارچگی و اقتدار حکومت مرکزی، یعنی پیش از درگذشت سلطان ابوسعید (م ۷۳۶ق) و دوره حکومتهای ملوک‌الطوایفی در نتیجه مرگ ابوسعید و فروپاشی حکومت مرکزی.



مطالب این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است: در فصل اول ابتدا زندگینامه و سفرهای ابن بطوطه شرح شده و سپس سفرنامه او به اختصار نقد و بررسی گردیده است. در فصل دوم اوضاع سیاسی و اجتماعی شهرها و نواحی ایران و عراق و ماوراء‌النهر، که ابن بطوطه از آنها بازدید کرده، بررسی شده است. در فصل سوم، اصلی‌ترین و طولانی‌ترین فصل این کتاب، نهادهای علمی و آموزشی و مزارات و مدارس معرفی شده است. محدوده جغرافیایی تحقیقات این فصل شهرها و ولایات ایران کنونی است که ابن بطوطه بازدید کرده است، با این همه، قلمرو این تحقیق در غرب ایران تا شهرهای عراق گسترش یافته و در شرق و شمال شرقی نیز تا افغانستان

و خوارزم و ماوراءالنهر کشیده شده است.

در فصل چهارم آن رجال علمی و مذهبی، که ابن بطوطه با آنان ملاقات کرده یا نامی از ایشان برده، معرفی شده‌اند، خواه معاصر وی بوده خواه سالها و بلکه قرن‌ها پیش از او درگذشته باشند.

در اینجا یادآوری چند نکته دربارهٔ مباحث فصلهای سوم و چهارم ضروری است:

۱. مطالب این دو فصل نه بر اساس خط سیر سفرهای ابن بطوطه و نه بر مبنای تقسیمات و نامهای جغرافیایی امروز، بلکه مطابق تقسیم‌بندی ولایات اسلامی در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی، اثر لسترنج، تنظیم شده است. ازینرو نگارنده مباحث این فصلها را از بین‌النهرین در مشرق شروع و تا ماوراءالنهر در مشرق دنبال کرده است. با اینهمه، چنین نیست که در محدودهٔ هر ایالتی نیز خط سیر مطالب از غرب به شرق باشد؛ بلکه در مواردی خط سیر سفر ابن بطوطه، به اقتضای فوایدی که بر آن مترتب است، مراعات شده است.

۲. ابن بطوطه به برخی شهرها بیش از یک بار سفر کرده و در بخشهای مختلف سفرنامه‌اش از آنها سخن گفته است. در چنین مواردی، مبنای تحقیق سفر نخستین اوست؛ اما در ذیل همان نخستین گزارش او، گزارش دیدارهای بعدی او نیز آمده است.

۳. در برخی شهرها ابن بطوطه تنها از برخی اماکن نام برده و از رجال آن سخنی نگفته است. در این موارد، این شهرها در فصل چهارم نادیده گرفته شده و مطالب مربوط به بقیهٔ ولایات، مطابق ترتیب فصل سوم آمده است.

۴. در هر دو فصل ابتدا گزارش ابن بطوطه عیناً به فارسی ترجمه و نقل

شده، سپس توضیحات تکمیلی نگارنده - که اساس کار این تحقیق است - در پی آمده است.

۵. گفتنی است که اطلاعات ما دربارهٔ برخی از اماکن و رجال منحصر به منقولات ابن بطوطه است. بویژه آنکه می‌دانیم وی در طی این سفر طولانی اغلب به سراغ درویشان گوشه‌گیر و چمیده در زوایای خمول و فقیهان و پارسایان رفته و در رحله نیز از آنان یاد کرده است. طبیعی است که در هیچ کدام از مآخذ و منابع موجود اساساً از این اشخاص نامی به میان نیامده است. بنابراین در ذیل عناوینی از این دست، ناگزیر، تنها به یادآوری این نکته بسنده شده است.

۶. چنانچه از متن گزارشی بیش از یک عنوان استخراج می‌شده، هر عنوان جداگانه و در پایان مطالب منقول از رحله آمده و در صورتیکه از محتوای گزارش تنها یک عنوان قابل استخراج بوده در صدر گزارش ابن بطوطه درج شده است.

۷. اگر نام دیه‌ها یا شهرهایی ناشناخته و به هر حال نیازمند توضیح بوده، خواه در فصل سوم یا چهارم، در همان نخستین مرتبهٔ مواجهه با این قبیل نامها، توضیحات لازم ارائه شده است.



نگارنده در این تحقیق به منابع متعددی نظر داشته است که می‌توان آنها را در انواع زیر دسته‌بندی کرد:

الف) کتابهای تاریخی عام، مانند تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر، تاریخ گزیده، جامع التواریخ و ...

ب) کتابهای جغرافیای تاریخی، مانند معجم البلدان، نزهة القلوب و ...

ج) تذکره‌ها، مانند وفيات الاعیان، و برخی از تألیفات شمس‌الدین ذهبی، طبقات الصوفیة سلمی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب و ...
 د) منابع تاریخی و آثار خاص مربوط به پاره‌ای از حکومت‌های محلی، مانند: شیرازنامه، هزار مزار، تاریخ آل مظفر و ...

ه) تحقیقات نویسندگان معاصر، مانند تاریخ کمبریج، تاریخ مغول عباس اقبال، جستجو در تصوف ایران، مدارس نظامیه و ...
 و) کتب سیره، مانند سیرت ابن خفیف شیرازی، اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید و ...

ز) کتابهای ادبی، مانند کلیات سعدی و ...

ح) دایرة المعارفها و فرهنگنامه‌ها.

البته، به آثار دیگری نیز استناد و از آنها استفاده شده است که در دسته‌بندیهای فوق نمی‌گنجد. اینک محتوای برخی منابع که مراجعه بیشتری بدانها شده، به اجمال، بررسی می‌شود.

در بررسی تاریخ اسلام بویژه تاریخ عباسیان هیچ محققى از مراجعه به تاریخ یعقوبی بی‌نیاز نیست. این اثر هم به لحاظ کهنگی (قرن سوم) و هم به جهت تشیع مؤلف آن مخصوصاً قابل تأمل است؛ چه یعقوبی درباره عباسیان برخلاف اهل سنت و معتقدان به خلافت عباسی، نکاتی را یادآور شده است که در دیگر آثار کمتر به چشم می‌خورد. اثر مهم دیگر کتاب الکامل تألیف ابن اثیر است. وی در این کتاب به شرح حوادث مهم جهان از آغاز آفرینش تا سال ۶۲۸ ق پرداخته و با اینکه در بیان وقایع سه قرن نخستین اسلامی در حقیقت تاریخ طبری را تلخیص کرده^۱، باز هم

۱. ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۲.

کتاب او حاوی نکات ارزنده و تازه‌ای درباره این سه قرن است. اما وجه عمده اهمیت اثر او بخشی است که در واقع ذیل تاریخ طبری محسوب می‌شود. مطابقت محتوای اثر او بویژه در بیان وقایع مربوط به عراق و بغداد با کتاب المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، تألیف ابن جوزی (م ۵۹۷ق)، که به روش سنوی تنظیم یافته است، بر اتقان محتوای کتابهای ابن اثیر و ابن جوزی گواهی می‌دهد. ازینرو نگارنده در شرح سرگذشت خانقاهها، مزارات، مدارس و ... از این دو اثر بهره فراوان برده است، ولی با این همه هیچگاه خود را از مراجعه به کتابهای متأخران درباره برخی اماکن از قبیل مدارس و نیز شماری از مزارات، بی‌نیاز ندیده است. از جمله: مدارس نظامیه نوشته دکتر نورالله کسایی، النجف، ماضیها و حاضرها نوشته آل‌محبوبه؛ تاریخ حرم کاظمین.

در بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در سده هشتم هجری به منابع گوناگون و متعددی مراجعه شده است. رشیدالدین فضل‌الله (م ۷۱۸ق) صاحب جامع‌التواریخ به سبب تصدی منصب وزارت در دستگاه غازان و اولجایتو، به احتمال، از کنار برخی وقایع بسادگی گذشته است، با این حال، کتاب او که حاوی تاریخ عالم از آغاز آفرینش تا سال ۷۰۳ق است، به سبب در اختیار داشتن بسیاری از مدارک دیوانی و دولتی، بویژه در زمینه شرح اصلاحات غازان خان (حک: ۶۹۴-۷۰۳) از منابع مهم به شمار می‌رود. هرچند وی کوشیده با مبالغه در نابسامانیهای پیش از غازان اصلاحات او را مهم جلوه دهد، اما علت اصلی آن نابسامانیها را بیان نکرده تا شرمنده نیاکان ولی نعمت خود نشود.

کتاب تاریخ اولجایتو نوشته عزالدین کاشانی، به زبان فارسی، که متضمّن وقایع سالهای ۷۰۳ تا ۷۱۶ ق است، در واقع ذیلی است بر تاریخ رشیدالدین فضل‌الله که با دید یک تاریخ‌نگار وابسته به حکومت تحریر شده است، اما این حافظ‌ابرو (م ۸۳۳ ق) است که یکی از آثار خود را آشکارا ذیل تاریخ رشیدی نامیده و در آن وقایع سلطنت مغولان تا سال ۷۵۸ ق را شرح داده است. با این حال، در اثر او، برخلاف جامع‌التواریخ که اطلاعات اجتماعی و اقتصادی چشمگیری دارد، بیشتر جنبه سیاسی حوادث در نظر گرفته شده است.^۱

شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی معروف به وّصاف‌الحضره، تاریخ خود تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار، معروف به تاریخ وّصاف، را از جایی که جوینی تاریخ خود را پایان داده، آغاز کرده و تا سال ۷۱۲ ق ادامه داده است. تاریخ او در مقام مقابله و مطابقه با جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله و نیز در شناخت حکومت‌های محلی تابع ایلخانان مانند حکومت‌های فارس، کرمان، جزایر هرمز و کیش، و ملوک شبانکاره اهمیت بسزا دارد. در زمینه اخیر تاریخ آل مظفر تألیف محمود کتبی (سال تألیف: ۸۲۳ ق) که در واقع تلخیص و تهذیب و تکملة کتاب مواهب الهی معین‌الدین محمد یزدی (متضمّن تاریخ آل مظفر تا سال ۷۶۷ ق) است، اثری مفید به شمار می‌رود.

تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (سال تألیف: ۷۳۰ ق) که تکمیل و تلخیص جامع‌التواریخ محسوب است، در زمینه شناخت حکومت‌های محلی تحت نظر ایلخانان، و نزهة القلوب او در جغرافیا (سال تألیف:

(۷۴۰ق) بویژه در شرح سرگذشت برخی نهادها و اماکن مذهبی، و حتی وضع اجتماعی شماری از شهرها در سده هفتم هجری، راهگشا است. نوشته‌های مستوفی در باب وضعیت برخی از شهرهای عراق و ایران و مطابقت آنها با سفرنامه ابن بطوطه نشان‌دهنده ارزش و اعتبار هر دو اثر است، چنانکه سفرنامه ابن بطوطه نیز به کار اصلاح پاره‌ای از نکات نادرست آثار مستوفی می‌آید.

کتابهای روضة الصفا نوشته محمدبن خاوندشاه معروف به میرخواند (م ۹۰۳ یا ۹۰۴ق) و تاریخ حبیب السیر تألیف غیاث‌الدین بن همادالدین معروف به خواندمیر (م ۹۴۱ق) که به زبان فارسی و بیشتر با عنایت به آثار دوره‌های پیشین از قبیل جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ و صاف و ذیل تاریخ رشیدی حافظ‌ابرو تحریر یافته، نسبت به منابع قدیمتر از ارزش کمتری برخوردارند.

در شرح سرگذشت رجال علمی و مذهبی کتابهای تذکره و سیره و گاه آثار تاریخی مدنظر نگارنده بوده است. در میان این آثار، وفيات الاعیان تألیف شمس‌الدین احمدبن خلکان (۶۰۸-۶۸۱ق) به اجماع صاحب‌نظران و محققان قدیم و جدید^۱ بهترین زندگینامه‌ها در زبان عربی یا به‌طورکلی در تمدن اسلامی است. این اثر که ابن خلکان خود آن را «مختصر فی التاریخ» خوانده، بنابر مقدمه موجز و متواضعانه وی حاوی زندگینامه‌هایی است که محدود به هیچ طبقه یا طایفه خاصی از افراد، مثل علما و امرا و وزرا و شعرا و ... نیست، بلکه از آن همه کسانی است که در هر زمینه شهری داشته‌اند و مردم دوست داشته‌اند چیزی

۱. زرکلی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ اسعدی، ص ۶۲.

درباره آنها بدانند^۱. ازینرو وی حتی جز از شماری اندک از صحابه و تابعین که بیشتر مردم چیزی درباره آنها نمی دانند، سخن نگفته است. ابن خلکان درباره همه کسانی که زندگینامه شان را آورده اعم از گذشتگان و معاصران، جانب اختصار را فرو گذاشته؛ سلسله انساب افراد را تا آنجا که می توانسته پیش برده؛ تلفظ اسمهایی را که احتمال تصحیف آنها می رفته، به عبارت ضبط کرده و این همه را بنا بر مدخلهایی براساس ترتیب الفبایی اسامی اول افراد مرتب کرده است.^۲ به گفته نیکلسون، ابن خلکان این را هم می توانست بر مقدمه خود بیفزاید که نخستین مسلمانی بوده که یک فرهنگ زندگینامه ای عام و جامع تدارک و تألیف کرده است، در حالیکه هیچیک از اسلاف او در فکر گردآوری شرح زندگی برجستگان مسلمان همه طبقات و طوایف در یک کتاب نبوده اند؛ همچنانکه گوستاوفن گرونهام گفته است «در ایامی که وفیات تدوین می شد، روح اروپا هم از چنین کارهایی خبر نداشته است».^۳ بر روی هم وسواس و دقت علمی ابن خلکان در کنار مناعت و استحکام شخصیت اخلاقی^۴ او مایه اعتماد و اطمینان پژوهشگران بر محتوای وفیات الاعیان شده است.

در شناخت سادات و نقیبان، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب نوشته ابن عنبه (م ۸۲۸ق) اثری است بی بدیل. این کتاب، که علمای بزرگ شیعی چون مجلسی و دیگر متأخران بدان استناد کرده اند، به دلیل نزدیکی با روزگار ابن بطوطه اثری راهگشا و مفید به شمار می رود.

۱. ابن خلکان، ج ۱، ص ۲۰-۱۹. ۲. نک: اسعدی، ص ۶۲. ۳. همو، ص ۶۳.

۴. یافعی، ج ۴، ص ۱۹۳؛ صفدی، ج ۷، ص ۳۱۰-۳۱۱.

در شناخت عارفان و صوفیان، کتاب طبقات الصوفیه تألیف ابو عبدالرحمان سلمی (۳۲۵-۴۱۲ ق) منبعی مهم و معتبر است. درباره برخی از مشایخ در آثار خاص مربوط به آنها مانند سیرت ابن خفیف شیرازی نوشته شاگردش ابوالحسن دیلمی و ترجمه فارسی رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی یا اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید نوشته محمد بن منور در نیمه دوم قرن ششم هجری اطلاعات بیشتر و گاه معتبرتری یافت می‌شود، اما در مقام شناخت عموم صوفیه، کتابهای تذکره مانند طبقات الصوفیه سلمی پس از نفحات الانس جامی (م ۸۹۸ ق) اهمیتی بسزا دارد. مطابقت بسیاری از اطلاعات تاریخی مربوط به رجال صوفیه، مندرج در طبقات الصوفیه - که شمار آنان به ۱۱۳ تن می‌رسد - با این قبیل اطلاعات در وفیات الاعیان این حدس را تقویت می‌کند که ابن خلکان به عنوان نویسنده‌ای راستگو و حقیقت‌جو در تألیف کتاب خویش به اثر سلمی نیز نظر داشته و این خود نشان دهنده اعتبار کتاب سلمی است.

در سده نهم هجری، عبدالرحمن جامی نیز در نفحات الانس از این کتاب بسیار بهره برده است. نگارنده با وجود استفاده مکرر از این کتابها، از مراجعه به آثار پژوهشگران معاصر در این زمینه مانند جستجو در تصوف ایران تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب بی‌نیاز نبوده است. بویژه در مواردی که میان اقوال نویسندگان متقدم اختلاف و گاه روایاتی ناسازگار با واقعیت‌های تاریخی به چشم می‌خورد، نظر زرین‌کوب به عنوان صاحب‌نظری خبیر برای نگارنده مغتنم بوده است؛ چنانکه داوری نهایی او نیز درباره جهت‌گیریهای کلی و مشرب خاص برخی از عارفان و صاحبان طریقت درخور اهمیت است. اما استناد به این منابع و استفاده از همه آنها به تنهایی برای فراهم آمدن این مجموعه کافی نبوده؛ چه مؤلف بارها برای

سامان یافتن این اثر از راهنماییهای اساتید معظم فن بهره‌مند گردیده است.



در همین جا مراتب تشکر و حق‌شناسی خویش را به محضر استاد ارجمند آقای دکتر نورالله کسائی که موضوع این تحقیق را به عنوان پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی به نگارنده پیشنهاد و او را در تدارک آن راهنمایی کرد، و استاد دانشمند آقای دکتر هادی عالم‌زاده که از سرلطف و عنایت با رهنمودهای ارزنده خویش پیوسته این حقیر را نواخته است، و استاد فرزانه آقای دکتر امیر هوشنگ اعلم که مشفقانه نکاتی مهم را متذکر گردیدند، تقدیم می‌دارد؛ و از دوست فاضل آقای مهندس محمد دشتی معاون اجرایی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی به دلیل ارائه پیشنهادهای اصلاحی و کارساز و نظارت بر امر نشر، از همکار محترم سرکار خانم طاهره اسماعیل‌زاده که با دقت ویرایش این متن را به انجام رسانیده، و از همه همکاران محترم در انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، به ویژه از آقای فریبرز رسولی برای پیگیری امر چاپ، و خانمها: فامیلی، پیشنماز، جلیلونند، طالاری‌زاده، اسدی، که با حوصله کار حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب را به پایان برده‌اند، سپاسگزار است. با اینهمه کاستیهای اثر کاملاً متوجه نگارنده است؛ ازینرو از همه ناقدان و نیکخواهان و صاحب‌نظران انتظار دارد تا معایب و نادرستیهای آن را نادیده نگیرند و گوشزد نمایند.

والحمد لله اولاً و آخراً

بهار ۱۳۷۶ هجری شمسی

قنبرعلی رودگر